

## درآمدی بر تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی با تأکید بر مبانی و اهداف

mdnajafi@yahoo.com

محمد نجفی / استادیار دانشگاه اصفهان

kiani.somaieh@gmail.com

کسمیه کیانی / کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان

emamirazieh@yahoo.com

راضیه امامی / کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان

پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۳

دریافت: ۹۴/۲/۲

### چکیده

تهذیب و تربیت اخلاقی عبارت است از: آراستن نفس به فضایل و پیراستن آن از رذایل و به‌کارگیری روش‌هایی به منظور پرورش نیکی‌ها و زدودن رذایل اخلاقی. مطالعه تربیت اخلاقی می‌تواند گامی مهم در تبیین ساختار نظام اخلاقی و به تبع آن، تربیت اخلاقی باشد. براین اساس، هدف این نوشتار، که از نوع پژوهش‌های کیفی است و با روش تحلیلی - توصیفی مبتنی بر روش کتابخانه‌ای انجام شده، بررسی دیدگاه‌های اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی و دلالت‌های آن بر تربیت اخلاقی در دو بخش مبانی و اهداف تعلیم و تربیت است. نظام اخلاقی خواجه طوسی بر شناخت نفس و اعتدال قوا مبتنی است. مهم‌ترین نتایج و دستاوردهای این تحقیق شناسایی مبانی تربیت اخلاقی شامل ماهیت و حقیقت انسان، تعادل قوای نفس و قابلیت آن در وصول به کمال حقیقی و شناسایی اهداف تربیت اخلاقی شامل اهداف غایی، واسطی و آموزشی است.

**کلیدواژه‌ها:** اخلاق، تربیت اخلاقی، مبانی تربیت اخلاقی، اهداف تربیت اخلاقی، تهذیب، نفس، خواجه نصیرالدین طوسی.

## مقدمه

پرسش پاسخ داد. روشن است که جامعه امروز ما به عنوان بخشی از اجتماع بشری، که در عصر ارتباطات به سر می‌برد و از کوچک‌ترین تغییر در تمامی عرصه‌های علمی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، به سرعت باخبر می‌شود، ناگزیر از جریان‌ها و اندیشه‌های گوناگون بشری تأثیر می‌پذیرد و چنین نگرشی عملاً بر تعلیم و تربیت سایه می‌افکند، به گونه‌ای که در نظام آموزشی ما جنبه‌های تربیت درونی و تربیت اخلاقی تحت‌الشعاع قرار گرفته است. بنابراین، نیاز به «خودسازی» و به قول خواجه نصیرالدین طوسی، «تربیت منتهی به سعادت در کنار تقویت قدرت» ادامه دانش نظری، بیش از پیش احساس می‌گردد. بر همین اساس، معرفی اندیشمندان بزرگ اسلامی و استفاده از نظرات آن‌ها، که با فرهنگ ایرانی - اسلامی منطبق باشد و بتواند به رفع کمبود دستگاه تعلیم و تربیت کمک کند، ضروری به نظر می‌رسد. هرچند در چند دهه اخیر، نگرش به فلسفه تعلیم و تربیت به منزله گسترش مواضع فلسفی نظام‌دار به عرصه تعلیم تربیت رو به ضعف گذاشته، اما به هیچ وجه از بین نرفته است. برخی فیلسوفان تعلیم و تربیت با باورهای قوی اخلاقی، سیاسی یا مذهبی به قلم زدن در این سنت فکری پرداخته‌اند (باقری، ۱۳۸۶، ص ۵۱).

به نظر می‌رسد برای غنای بیشتر افراد در ابعاد نظری و عملی و توجه بیشتر به تربیت در کنار تعلیم، گسترش مواضع فلسفی متفکران بزرگ اسلامی به عرصه تعلیم و تربیت، ضروری است. بیان مبانی فلسفی و اخلاقی و آراء تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی و معرفی آن به متریبان، می‌تواند راه را به منظور خودشناسی و خودسازی و در نهایت، دستیابی به سعادت هموار سازد. در این باره، هدف

اخلاق و تربیت اخلاقی از دیرباز و در همه جوامع، مورد توجه پیامبران الهی، فیلسوفان، اندیشمندان، معلمان و والدین بوده است. بشر امروزی نیز به سبب رویارویی با بحران هویت انسانی و ارزش‌های اخلاقی، ناگزیر است به ارزش‌های اخلاقی روی آورد (نجازادگان، ۱۳۸۸، ص ۲۲). تربیت اخلاقی هم به عنوان یکی از جلوه‌های متعالی تعلیم و تربیت، که هدف عمده آن رشد اخلاقی شاگردان است، به گونه‌ای که آنان را افرادی نیک و خیر بار آورد، امری است که مربیان و معلمان ناچارند مستقیم و یا غیرمستقیم بدان توجه کنند (رهنما، ۱۳۷۸، ص ۱). بنابراین، نظام تعلیم و تربیت موظف است با تدوین اصول راهنمای عمل و روش‌های مؤثر و متناسب با وضعیت بومی و دگرگونی‌های محیطی، مربیان را در تربیت اخلاقی یاری کند؛ زیرا پویایی هر نظام تربیتی در این است که اصول، روش‌ها و کارکردهای خود را از حالت ایستا خارج کند و بتواند خواسته‌هایش را متناسب با دگرگونی‌های محیطی، شاداب و زنده نگه دارد (باقری، ۱۳۸۶، ص ۵۸). اما اینکه نظام تعلیم و تربیت در کشور اسلامی ایران با رعایت کدامین اصول و به کارگیری چه روش‌هایی می‌تواند به تربیت اخلاقی کودکان و نوجوانان اقدام کند، سؤالی است مهم، که تنها با نگاه محققانه می‌توان به پاسخ آن دست یافت.

در این پژوهش سعی شده است با تحقیق در اندیشه‌های یکی از متفکران بزرگ ایرانی - اسلامی، یعنی خواجه نصیرالدین طوسی، که ضمن بیان دیدگاه‌های فلسفی خود، به طور مشخص از تربیت اخلاقی سخن گفته است و می‌توان در تهیه اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی نظام تربیتی از آراء او استفاده کرد، به این

استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که شیوه‌های تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان مؤثر بوده است.

احسانی (۱۳۸۹) در مقاله «تربیت فرزند در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی» نتیجه می‌گیرد که مهم‌ترین وظیفه پدر و مادر از نظر خواجه نصیرالدین طوسی تربیت فرزند است که باید از اولین روزهای تولد به پرورش او اهتمام ورزیده، به آن اقدام کند.

با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین تحقیقات دانشجویان در رشته‌های دیگر، به نظر می‌رسد در این زمینه، به صورت جدی، پژوهشی صورت نگرفته است. پژوهش‌ها و مطالعات صورت‌گرفته درباره اندیشه‌های تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی و به طور خاص، پژوهش‌ها در زمینه تربیت اخلاقی از دیدگاه ایشان، به بیان مبانی، اهداف، اصول و روش‌های متناظر با آن نپرداخته است. بدین روی، در این پژوهش، محقق کوشیده است تا در حد امکان، خلأ موجود را پر کند.

### جایگاه و مفهوم «تربیت اخلاقی»

«تهذیب و تربیت اخلاقی» از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، «آراستن نفس به فضایل و پیراستن از رذایل» است. به عبارت دیگر، «تربیت اخلاقی» به معنای به‌کارگیری روش‌هایی برای پرورش فضایل و نیکی‌ها و زدودن رذایل اخلاقی است (طوسی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۲). خواجه در بحث تهذیب اخلاق، متأثر از سنت افلاطونی - ارسطویی، محور بحث تربیت و تهذیب اخلاق را بر اساس تهذیب قوای سه‌گانه (نفسانی، شهوی، غضبی و ناطقه) استوار می‌کند. حاصل تهذیب قوای

اصلی این پژوهش آن است که دیدگاه‌های اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی را مشخص، و بر مبنای آن اهدافی را برای تربیت اخلاقی بیان کند. پژوهشگران متعددی با نظر به اهمیت این مقوله، آثاری از خود به جای نهاده‌اند که از آن جمله، می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

رهنما (۱۳۷۸) در رساله دکتری و همچنین در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی و تجزیه و تحلیل خاستگاه‌ها، غایات و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی»، به مقایسه نظرگاه تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی می‌پردازد. وی در پایان نتیجه می‌گیرد که بین این دو نظرگاه در زمینه روش‌های تربیت اخلاقی، بیشترین شباهت در زمینه هدف‌های تربیت اخلاقی و بیشترین تفاوت مشاهده می‌شود. در خصوص مبادی اخلاق نیز تفاوت‌ها و تشابهات نسبی در بین این دو دیدگاه وجود دارد. سرانجام اینکه تربیت اخلاقی بستر مناسبی برای پیوند نظرگاه اخلاقی «فضیلت‌مدار» و «وظیفه‌مدار» است. سعادت‌فر (۱۳۸۳) در پایان‌نامه کارشناسی مدرسی الهیات و معارف اسلامی خود، با عنوان «مقایسه دیدگاه‌های اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی و ابن‌مسکویه»، به مقایسه اخلاق و تعلیم و تربیت از دیدگاه این دو دانشمند گران‌قدر پرداخته است.

نسیک‌نژادی، گلستانی و احمدی (۱۳۸۶) در مقاله «تأثیر آموزش روش‌های تربیتی بر اساس دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان»، به بررسی شیوه‌های تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی و اثر آن بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان پرداخته‌اند. روش تحقیق مزبور تجربی بوده و در آن از طرح «پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه آزمایش و گواه»

هدف اصلی تربیت اخلاقی از نظر خواجه طوسی ایجاد و استقرار منش‌های معینی است که انسان را به سعادت و کمال و بالاترین مرتبه سعادت، یعنی نایل شدن به جوار رب‌العالمین می‌رساند (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۶۴). بنابراین، از دیدگاه خواجه، اولین گام در راه رسیدن به این هدف، شناخت نفس است؛ زیرا انسان تا نفس خود را نشناسد هرگز نمی‌تواند برای اصلاح آن اقدام کند و در جهت بهبود اخلاق گام بردارد. از این‌روست، که امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «من عرف نفسه فقد عرف ربه»؛ کسی که خود را بشناسد، خدای خود را شناخته است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۱۳). نیز امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «افضل المعرفة معرفة الانسان نفسه»؛ برترین معرفت آن است که انسان نفس خود را بشناسد (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ص ۳۸۷). بنابراین، شناخت نفس پایه شناخت خداوند است و فرد باید به این مسیر هدایت شود و به مدد نیروی اراده و عقل خویش، به تدریج به سوی علوم و معارف و آداب و فضایل گرایش، و به کمال و سعادت دست یابد.

### مبانی تربیت اخلاقی

#### ۱. ماهیت و حقیقت انسان

به عقیده خواجه طوسی، انسان حقیقتی مشتمل بر نفس و بدن است. حقیقت آدمی و آنچه به سبب آن بر سایر حیوانات ترجیح دارد، همان نفس است که اگرچه جوهری مجرد است و بدن جسمی کثیف هیولانی است، اما میان این دو نهایت قرب و ارتباط است، به گونه‌ای که منجر به اتحاد آنها شده است، و نفس به عنوان صورت بدن به‌شمار آمده، اما صورتی قائم به ماده نیست (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۵۵). آنچه موضوع تربیت است نفس ناطقه

یادشده سیرت‌هایی از قبیل سیرت لذت، کرامت و حکمت است که در حکم صفات، ملکات و منش‌های اخلاقی خاصی است که تربیت اخلاقی آن هدف‌ها را دنبال می‌کند (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۶۹).

با توجه به نظر خواجه طوسی، مبنی بر اینکه نیروی اراده و اندیشه خاستگاه اخلاق است و فطرت خودبه‌خود انسان را به کمال اخلاقی رهنمون نمی‌کند مگر با نیروی تعقل، و انسان به مدد نیروی تفکر قادر به درک امور اخلاقی و به کار بستن ارزش‌های اخلاقی در زندگی خود است، تربیت اخلاقی ضرورت می‌یابد؛ یعنی تربیت و تربیت اخلاقی به سبب وجود نیروی تفکر و اراده در انسان، معنا و مفهوم و اهمیت می‌یابد. بنابراین، به منظور تهذیب قوای نفسانی و ایجاد صفت یا ملکه خاص اخلاقی، روش «عادات عقلانی» محل تأکید خواجه است؛ زیرا فرد ممکن است در ابتدا بدون علت، عاداتی را بپذیرد، ولی به تدریج، با روشنگری عقل خود، ضرورت آنها را احساس کند و آن عادات را آگاهانه به کار برد.

روش به‌کارگرفته‌شده در تهذیب اخلاق یا تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، مرحله به مرحله و از سن کودکی تا دوره جوانی است. بدین‌سان، در دوران کودکی، تربیت یا تهذیب اخلاق به شکل تأدیب، اجبار، عادت و ملکه است، تا اینکه در مرحله جوانی و بلوغ و کمال عقل، تهذیب اخلاق صورت دلیل، برهان و استدلال می‌یابد؛ یعنی در فرایند تهذیب یا تربیت اخلاقی، که از دوران کودکی شروع می‌شود، باید کودک را به صورت اجباری یا اختیاری به عادات پسندیده ترغیب کرد تا آن عادت را ملکه خود کند و هنگامی که به کمال عقل رسید از ثمرات آن بهره‌مند گردد (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۱۰۵-۱۰۶ و ۲۲۲).

آدمی را سرگرم می‌کند و از رسیدن به کمال بازمی‌دارد و خسران‌زده می‌سازد. براین اساس، انسان باید در میدان علم و عمل، خود را مهذب سازد و دست دیگران را نیز بگیرد که در این صورت، فوز عظیم به دست آورده است (طوسی، ۱۳۶۹ الف، ص ۳۳-۳۴). بنابراین، از دیدگاه‌های انسان‌شناختی خواجه طوسی چنین مستفاد است که انسان به واسطه نفس ناطقه، که جوهر و حقیقتی غیرمادی است، و نیز به سبب شرافت و فضیلت روح و روان، از جواهر موجودات عالم اعلا، ترقی و تعالی‌اش در اکتساب علوم و معارف و فرار از خصوصیات اجسام و مادیات امکان‌پذیر است. انسان هر قدر در طلب علم و معرفت حریص‌تر گردد و از امور مادی بیشتر اعراض کند به همان اندازه، به عالم بالا و مدارج کمال نزدیک‌تر می‌گردد.

## ۲. تعادل قوای نفس

نفس تحت تأثیر فعالیت سه قوه ناطقه، شهویه و غضبیه است. در دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، حد وسط و اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط ملاک فضایل اخلاقی و رسیدن به سعادت است. در آموزه‌های دین اسلام نیز بر رعایت اعتدال و حد میانه تأکید شده است. بسیاری از حکیمان و اخلاق‌نگاران، که مشی ارسطویی دارند، ملاک فضیلت را حد وسط می‌دانند و دو طرف آن را، که افراط و تفریط است، در ورطه رذیلت می‌شمارند.

سید علوی (۱۳۸۱) با بیان آیه ۱۴۳ سوره «بقره» و روایتی از امام صادق علیه السلام که در ذیل آمده است، خاطر نشان می‌کند که ریشه سخن مزبور که می‌توان در قرآن شریف جست‌وجو کرد.

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» و این‌گونه شما را

آدمی است و از نظر خواجه طوسی، انسان به سبب وجود نفس ناطقه یا نیروی عقل و اراده، اشرف موجودات این عالم است (همان، ص ۵۹). این قوه بی‌آلت، به ادراک و تمییز میان مدرکات می‌پردازد. قوای نفس ناطقه انسانی به «عملی» و «نظری» تقسیم می‌شوند و هریک از آن دو «عقل» نامیده می‌شوند. «قوه عملی» قوه‌ای است مبدأ محرک انسان به تمییز میان مصالح و مفاسد افعال و به کارگیری علم و دانش به منظور تنظیم امور معاش. اخلاق آدمی از آن نشئت می‌گیرد و تسلطش بر دیگر قوا مبدأ ستودگی اخلاق است. «قوه نظری» قوه‌ای است متوجه معرفت حقایق موجودات و احاطه یافتن به همه معقولات، و در نهایت، نیل به معرفت حقیقی و غرض کلی؛ یعنی عالم توحید. این قوه مبدأ معرفت است (همان، ص ۵۷-۷۰). خواجه طوسی با الهام از آیات قرآن، بر این باور است که انسان با علم و عمل صالح و با تهذیب نفس و تجرید ذات خویش از علایق دنیوی، می‌تواند زمینه باریابی به مقام قرب الهی را فراهم آورد. وی با استناد به آیه‌های «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۵) (آنچه را انسان نمی‌دانست خداوند به او آموخت) و «وَأَعْمَلُوا صَالِحًا» (مؤمنون: ۵۱) (و عمل صالح انجام دهید)، می‌گوید: آدمی با دو بال «علم» و «عمل صالح» پیش می‌رود و منازل و مدارج کمال را می‌پیماید تا اینکه سرورش «ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ» (فجر: ۲۷) را می‌شنود و به مقام قرب الهی بار می‌یابد (طوسی، ۱۳۶۹ الف، ص ۳۳-۳۴).

بنابراین، هرچند آدم از عالم بالا هبوط کرد و از بهشت رانده شد، باز با بندگی و عبودیت می‌تواند صعود کند و به جایگاه آغازین و به موطن اصلی خویش بازگردد و به بهشت خداوندی درآید. اما شرط این عروج و صعود، گذشتن و عبور کردن از سد ظلمانی دنیاست که پیوسته

امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواهانی باشید و رسول هم بر شما گواه باشد.

- امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (اعراف: ۱۹۹)، واژه «عفو» را به «وسط» معنا کرده‌اند و همین، فضیلت وسط را تأیید می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور بوده‌اند بدان استوار بمانند و به اطراف نلغزند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۴۹۶-۴۹۷). برای تثبیت و پایدار ساختن صفات نیک، فقط یک راه وجود دارد، اما برای انحراف، راه‌های بی‌شمار است. **خواججه طوسی می‌نویسد:**

استقامت در سلوکِ طریقتِ فضیلت جز بر یک نهج صورت نیندد، و انحراف از آن منہج نامحدود باشد، و از این جهت باشد صعوبتی که در التزام طریقتِ فضایل واقع باشد (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۱۱۸). پس لازم است وجود انسان از رذایل، که در دو طرف حد افراط و تفریط است، تخلیه شود و به فضایل، که در وسط و نقطه اعتدال است، تخلیه گردد. البته همان‌گونه که ایشان معتقد است، انسان در مسیر کسب فضایل، با سختی و مشقت همراه است؛ اما یافتن حد وسط و استقامت و پای مردی بر حد وسط، تنها راهی است که منتهی به سعادت می‌شود و طالب سعادت حقیقی ملزم به رعایت آن است.

در مقایسه‌ای با اخلاق نیکوماخوس می‌بینیم که در اخلاق نیکوماخوس: «فضیلت، حد وسط است و فضیلت به معنای حد وسطی است که بین دو رذیلت، که یکی در حد افراط و دیگری در حد تفریط است، قرار دارد و ممیز فضیلت در انفعالات و افعال انسان این است که فضیلت معطوف به سوی حد وسط است... در اینجاست که گوییم: فضیلت یافتن مستلزم مجاهده و عمل است. یافتن حد وسط در هر چیزی امری شاق و مشکل است»

(ارسطاطیس، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰).

بنابراین، در نظر ارسطو و خواججه طوسی، یافتن وسط و دوری از افراط و تفریط مستلزم تلاش و پایداری زیاد است و برای هر کسی به آسانی میسر نیست. به اعتقاد وی، از حرکت قوه ناطقه در مسیر اعتدال و اکتساب معارف یقینی و شناخت حقایق موجودات به همان صورت که هستند، صفت و فضیلت حکمت حاصل می‌شود (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۱۰۸).

خواججه طوسی معتقد است: اگر قوای شهویه و غضبیه تحت تسلط و استیلای قوه ناطقه یا همان عقل باشند و از مسیر اعتدال خارج نشوند - به ترتیب - فضایل «عفت» و «شجاعت» ایجاد می‌شود. از ترکیب و تمازج این سه فضیلت (حکمت، عفت و شجاعت)، فضیلت «عدالت» که اکمل آن فضایل است، حادث می‌گردد (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۱۰۹). نفس آدمی باید از همه رذایل زوده شود و به کسب همه کمالات مبادرت ورزد تا تمامی قوا به اعتدال برسند و سعادت ابدی حاصل شود.

### ۳. قابلیت نفس در وصول به کمال حقیقی

به عقیده خواججه طوسی، نفس برای کسب فضایل و حصول ملکات نفسانی قابلیت دارد و نباید در تحصیل فضایل کوتاهی کرد. از منظر خواججه طوسی، «اخلاق علمی است که درباره نفس آدمی از آن جهت که دارای ملکات نفسانی است و از او افعال ارادی پسندیده یا ناپسند صادر می‌شود، بحث می‌کند» (طوسی، ۱۳۶۹ الف، ص ۴۸). وی با الهام از مکتب اسلام، بر این باور است که انسان در پرتو اخلاق می‌تواند نفس خویش را از پستی‌ها، ظلمت‌ها، کدورت‌ها بزدايد و به کمال نهایی، که قرب خداوندی است، نایل آید. نقش اخلاق آنچنان عظیم و

مخالف رذایل بر خود تحمیل کند و بلکه اگر این روش نیز مؤثر نیفتاد، با استفاده از اعمال مشقت‌بار و سخت و پیمان‌های سنگین با خداوند، خود را از آلودگی‌ها دور سازد (همان، ص ۱۷۰-۱۷۲). بنابراین، آدمی به لحاظ اینکه از نیروی اندیشه و عقل و اراده برخوردار است، می‌تواند هر خلقی را برگزیند و با تکرار پی در پی و مداوم رفتارهای متناسب با آن خلق، هیأت راسخ و پایدار آن خلق را در خود به وجود آورد. به باور وی، به منظور حصول ملکات نفسانی، فرد باید به تکرار اعمال و افعالی بپردازد که برای دستیابی به آن ملکات لازم است. شخص به طور مکرر عمل نیکی را انجام دهد تا به عادت برای او تبدیل شود (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۱۵۲-۱۵۳).

ایشان تحصیل فضایل را از امور صناعی می‌داند و بر این باور است که هیچ‌کس بر فضیلت مفطور نباشد؛ چنان‌که هیچ آفریده را نجار یا کاتب یا صانع نیافریند (همان، ص ۱۵۲). به نظر خواجه طوسی، تربیت اخلاقی باید بر اساس مراحل رشد طبیعی آدمی صورت گیرد؛ زیرا اخلاق به عنوان یک فن، آنچه را در طبیعت آدمی نهفته است و به تدریج بروز می‌یابد، پردازش می‌کند. پس باید با برنامه‌های صحیح اخلاقی و هماهنگ با رشد قوای طبیعی، به تهذیب نفس و تعدیل و هدایت قوا پرداخت. بدین‌روی، همان‌گونه که در آغاز نیازهای جسمانی آدمی، نظیر نیاز به غذا، آب و استراحت بروز و ظهور می‌کند و کودک با گریه، فریاد و التماس در پی تأمین آن نیازهاست، باید برنامه تربیتی و اخلاقی هماهنگ با این نیازها شروع شود و همگام با مراحل رشد طبیعی کودک، تعدیل و هدایت صورت گیرد؛ زیرا تأثیر رفتار و اعمال بدنی در نفس قهری و قطعی است و تکرار مداوم و پی در پی هر رفتاری موجب پیدایش حالت راسخی در نفس

گسترده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدف از بعثت خویش را تتمیم و تکمیل مکارم اخلاق دانسته است (طوسی، ۱۳۶۱، ص ۲۴۸-۲۵۱)؛ زیرا در نفس آدمی، گرایش به خیر و شر نهفته و زمینه‌های تکمیل و تکامل و صعود و سقوط در نهاد او نهاده شده است و اگر او را به حال خود رها نکنند و او را از توجه به شقاوت و خسران مانع شوند، بی‌گمان به سوی کمال حرکت می‌کند. بنابراین، از آن نظر که مردمان در فطرت، مستعد سعادت و شقاوتند، نیازمند اخلاقند و باید کسانی باشند که آنان را از توجه به شقاوت بازدارند و به سوی سعادت رهنمون سازند (طوسی، ۱۳۶۹ الف، ص ۶۴).

خواجه طوسی با بیان این نکته، که اخلاق طب روحانی است و جنبه کاربردی دارد و به عنوان فن و صنعت مطرح است، آن را شامل دو بخش دانسته است: یکی حفظ فضایل و ارزش‌ها، و دیگری درمان بیماری‌های نفسانی (طوسی، ۱۳۶۹ الف، ص ۱۵۲-۱۵۳). براین‌اساس، هر کس در آغاز باید خلقیات خویش را بشناسد و در صورتی که اخلاق او نیکوست و به محاسن اخلاق آراسته است، باید در حفظ آنها و رسوخ آنها در نفس بکوشد و در این زمینه، از عواملی همچون همنشینی با نیکان و دوری جستن از مجالست با دنیادگان و پرهیز از مطالعه نظم و نثری که آدمی را از خداوند دور می‌سازد و التزام عملی به وظایف دینی، استفاده کند (طوسی، ۱۳۶۹ الف، ص ۱۵۵-۱۵۶). البته در صورتی که شخص تشخیص دهد اخلاق ناپسندی در او وجود دارد باید بکوشد آنها را از خود بزدايد و نفس خویش را از آن معاصی و مهالک پیراسته سازد و با استعانت از فکر و اندیشه و با تکرار رفتار شایسته، خلق نیکو برای خود ایجاد کند، و حتی اگر لازم باشد باید افعال و رفتاری

خواجه، دارای مراتب و درجاتی است که عالی‌ترین مرتبه آنها قرب حضرت حق تعالی است: «اگر بر وفق مصلحت، از روی ارادت بر قاعده مستقیم حرکت کند و به تدریج، سوی علوم و معارف و آداب و فضایل گراید و شوقی که در طبیعت او به نیل کمال مرکوز است، او را به طریقی راست و قصدی محمود از مرتبه به مرتبه می‌آورد و از افق به افق می‌رساند تا نور الهی بر او تابد و مجاورت ملأ اعلی بیابد، از مقربان حضرت صمدی شود و در مرتبه اصلی، سکون و اقامت اختیار کند» (همایی، ۱۳۷۴، ص ۷).

انسان با استفاده از اراده، علم و آگاهی می‌تواند در مسیر اعتدال و دوری از افراط و تفریط قدم بگذارد و به قرب الهی برسد.

۲. **اهداف واسطی:** به نظر خواجه طوسی، سعادت و کمال بدون مقدمه و نایل گردیدن به هدف‌های زمینه‌ای صورت نمی‌گیرد. به همین سبب، خواجه هدف‌های مراتب پایین‌تر در تربیت اخلاقی را مطرح می‌کند که در پی‌ریزی سعادت آتی کودکان و فرزندان مؤثر واقع می‌شود.

الف. **تهذیب قوه شهوی:** تهذیب قوه شهوی به این سبب که اولین قوه‌ای است که در کودک ظاهر می‌شود، یکی از اصلی‌ترین و پایه‌ای‌ترین زمینه‌های تربیت اخلاقی است، و این قوه باید به وسیله عقل (قوه ناطقه) کنترل شود و در سایه آن هدایت گردد تا از هلاکت فرد جلوگیری شود: «معلوم است که اول قوتی که در کودکان حادث شود قوت طلب غذا و سعی در تحصیل آن باشد...» (طوسی، ۱۳۶۹ الف، ص ۱۵۰). به نظر خواجه، از تهذیب این قوه و از انقیاد «نفس بهیمی»، که حاصل قوه شهوانی است، فضیلت «عفت» و به دنبال آن، فضیلت «سخا» و «سیرت لذت» در انسان حاصل می‌گردد.

ب. **تهذیب قوه غضبی:** تهذیب قوه «غضبیه» و یا به

می‌شود که دیگر به سادگی قابل زوال نخواهد بود، و اگر به مراحل رشد طبیعی کودک توجه نشود فرصت‌ها از دست خواهد رفت (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۷). بنابراین، برنامه اخلاقی و تربیتی باید هماهنگ و گام به گام با رشد قوای طبیعی شهوی، غضبی و ادراکی پیش رود و از سیر تدریجی رشد قوا غفلت نشود؛ زیرا تخلف از آنچه اقتضای طبیعت و سرشت آدمی است تربیت را مختل می‌سازد. انسان نسبت به کسب فضایل مسئولیت دارد و کوتاهی در این امر موجب می‌شود که وی به کمال حقیقی خود نرسد. به نظر خواجه طوسی، انسان قابلیت اکتساب فضایل یا رذایل اخلاقی را دارد و عادت و تکرار در رسوخ فضایل تأثیری ژرف دارد؛ همان‌گونه که ترک عادت در ازاله رذایل مؤثر است.

### هدف تربیت اخلاقی

هدف از عناصر اصلی و اساسی تعلیم و تربیت است. «هدف در تعلیم و تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد. هدف‌های تربیتی سه کارکرد دارند: ۱. رهبری فعالیت‌های تربیتی؛ ۲. ایجاد انگیزه در فرد؛ ۳. ارائه معیاری برای ارزیابی» (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸، ص ۵).

اهداف تربیتی مورد نظر خواجه طوسی به دو صورت اهداف «غایی» و «واسطی» و «اهداف مربوط به تعلیم و تربیت» قابل طرح است.

۱. **هدف غایی:** از نظر خواجه طوسی، سعادت و کمال به عنوان هدف غایی تربیت اخلاقی تلقی می‌گردد؛ یعنی تمام کوشش‌های تربیت اخلاقی در نهایت، باید فرد را به سعادت شایسته خود نایل گرداند. سعادت و کمال از نظر

نقش زمینه‌سازی برای هدف‌های تعلیمی و تفهیمی دارد، مجموعه آموزش‌هایی است که برای تأدیب کودکان باید انجام داد. به نظر خواجه طوسی، زمان تربیت اخلاقی کودک بعد از دوره شیردهی است. وی معتقد است: قبل از آنکه اخلاق کودک تباه گردد باید به تأدیب و تربیت اخلاقی او اقدام کرد:

... و چون رضاع او تمام شود به تأدیب و ریاضت اخلاق او مشغول باید شد پیش‌تر از آنکه اخلاق تباه فراگیرد؛ چه کودک مستعد بود و به اخلاق ذمیمه میل بیشتر کند به سبب نقصانی و حاجتی که در طبیعت او بود (همایی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۴-۱۱۵).  
به سبب کمبودها، نواقص و نیازهایی که در طبیعت انسان وجود دارد، تربیت و تأدیب فرد در همان دوران کودکی ضرورت می‌یابد تا آدمی به انجام اعمال ناپسند و نازیبا گرایش پیدا نکند.

۲. پرورش قوه حیا: پرورش قوه «حیا» اولین هدف و زمینه‌ساز تربیت اخلاقی کودک است، و باید اهتمام زیادی در پرورش این قوه در کودکان به کار بست؛ زیرا به عنوان اولین قوه از قوه ناظره یا عقلانی در کودک ظاهر می‌شود و از نظر خواجه، ظهور چنین قوه‌ای خود دلیل بر «تربیت‌پذیری» انسان است.

... و اول چیزی از آثار قوت تمییز، که در کودک ظاهر شود، «حیا» بود. پس نگاه باید کرد اگر حیا بر او غالب بود و بیشتر اوقات سر در پیش افکنده دارد و «وقاحت» ننماید، دلیل نجابت بود، چه نفس او از قبیح محترز است و به جمیل نایل. و این علامت استعداد تأدیب بود. و چون چنین بود عنایت به تأدیب و اهتمام به حسن تربیتش باید داشت و اهمال و ترک رخصت نداد (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۲۲۲).

عبارت دیگر، مهار و کنترل «نفس سبعی» به وسیله عقل، که به ترتیب منتج به «فضیلت حلم»، «فضیلت شجاعت»، و «سیرت کرامت» می‌شود، پس از تهذیب قوه شهوی لازم است: «قوه غضبی، که آن را نفس سبعی گویند، و آن مبدأ غضب و دلیری و اقدام بر احوال و شوق تسلط و ترفع و مزید جاه باشد، و هرگاه که حرکت نفس سبعی به اعتدال و انقیاد نماید عاقله را و قناعت کند بر آنچه نفس عاقله قسط او شمرد و تهیج بی‌وقت و تجاوز حد ننماید در احوال خویش نفس را، از آن حرکت فضیلت حلم حادث شود و فضیلت شجاعت به تبعیت لازم آید» (همایی، ۱۳۷۴، ص ۱۶).

تهذیب قوه غضبی سبب دوری فرد از انجام کارهای پرریسک، جاه‌طلبی، زورگویی و استثمار دیگران می‌شود.  
**ج. تهذیب قوه ناظره:** به نظر خواجه، قوه ناظره یا نفس ملکی مبدأ فکر و اندیشه است. به منظور تهذیب این قوه، انسان باید در پی کسب معارف یقینی باشد. بدین‌روی، با اکتساب معارف و علوم و دانش، «فضیلت علم» و به تبع آن، «سیرت حکمت» حادث می‌شود.

از نظر خواجه، از ترکیب این سه قوه با یکدیگر، به صورت متمازج و متسالم، فضیلت «عدالت» حاصل می‌گردد. «عدالت» یعنی اینکه تمام قوت‌ها از قوه ناظره اطاعت و فرمان‌برداری کنند تا جاذبه‌های قوت‌ها و هوس‌ها فرد را به ورطه هلاکت و نابودی نیفکنند.

۳. اهداف تعلیم و تربیتی: از دیدگاه دیگر، خواجه نصیرالدین طوسی در ذیل مطالبی که درباره تعلیم و تربیت فرزندان مطرح می‌سازد، به صورت ویژه، به هدف‌های تربیت اخلاقی اشاره می‌کند. این اهداف شامل اهداف تأدیبی، تعلیمی و تفهیمی است.

#### الف. اهداف تأدیبی:

۱. زمینه‌سازی: یکی از اهداف اولیه و اصلی تربیت اخلاقی کودک از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، که

امر تشویق کودک، تنها به امور مادی و مالی توجه نشود، بلکه باید ترفع نفس و حفظ کرامت انسانی را مدنظر قرار داد. «... و ترفع نفس از حرص بر مطاعم و مشارب و دیگر لذات و ایثار آن بر غیر در دل شیرین گردانند...» (همایی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۷). خواجه طوسی همواره بر تربیت مبتنی بر محبت و مهرورزی تأکید کرده است. امروزه علم روان‌شناسی هم به اثرات معکوس تنبیه در تربیت کودکان اشاره دارد.

ب. اهداف آموزشی یا تعلیمی: خواجه طوسی بر این باور است که در مرحله تعلیمی، ابتدا باید به آموزش سنن و فرایض دینی، آموختن شعر، و به‌طورکلی، علم اخلاق به کودکان پرداخت؛ زیرا آموزش امور غیراخلاقی به نوآموزان و جوانان، آنها را فاسد می‌کند. پس از آن، باید سایر علوم مربوط به حکمت نظری را به آنها آموخت.

پس تعلیم او آغاز کنند و محاسن و اخبار و اشعار، که به ادب شریف ناطق بود، او را حفظ کنند تا مؤکد آن معانی شود که در او آموخته باشند، و از اشعار سخیف، که بر ذکر غزل و عشق و شرب خمر مشتمل بود، احتراز فرمایند. و بدان که جماعتی حفظ آن از ظرافت پندارند و گویند که رقت طبع بدان اکتساب باید کرد؛ التفات ننمایند؛ چه امثال این اشعار مفسد احداث بود (همایی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۸-۱۱۹).

انسان علوم مختلف را به صورت اکتسابی تحصیل می‌کند. بنابراین، متولیان امر تعلیم و تربیت باید در انتخاب مواد و محتوای علوم، به‌ویژه علوم و دروس ادبی دقت و توجه لازم را داشته باشند، تا مبادا موادی در برنامه درسی مدارس گنجانده شود که موجبات فساد و تباهی جوانان را فراهم نماید.

در انجام تربیت و تأدیب صحیح، باید تلاش و کوشش زیادی مبذول داشت و هیچ کوتاهی و قصوری را در انجام این امر مهم راه نداد؛ زیرا نفس انسان از زشتی‌گریزان و به زیبایی متمایل است.

۳. ایجاد خصلت‌های نیک: یکی دیگر از هدف‌های تربیت اخلاقی در مرحله تأدیب، که خواجه بدان توجه خاصی دارد، ترغیب کودک به مجالست با نیکان و جلوگیری از همنشینی او با بدان به منظور ایجاد خصلت‌های نیک است؛ زیرا نفس کودک ساده است، و سریع از سرمشق‌های محیطی و به‌ویژه همسالان خود تأثیر می‌پذیرد.

و اول چیزی از تأدیب آن بود که او را از مخالفت اضداد، که مجالست و ملاعبت ایشان مقتضی افساد طبع او بود، نگاه دارند. چه نفس کودک ساده باشد و قبول صورت از اقران خود زودتر کند (همایی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۵).

کودکان به شدت از همسالان و همچنین بزرگسالان و والدین خود تقلید می‌کنند. پس شایسته‌تر آن است که کودکان را به منظور شکل‌گیری صفات پسندیده و نیک، با الگوها و سرمشق‌های مثبت مواجه نماییم.

۴. حفظ کرامت و حرمت نفس کودک، معلم و بزرگترها: خواجه طوسی ضمن اشاره به نقش تربیتی تشویق و تنبیه (مؤاخذه) ملایم بزرگترها و معلم در شکل‌گیری اخلاق کودک در دوران طفولیت، رعایت کرامت و حرمت نفس کودک، معلم و هر کسی را که مسئول آموزش کودک است، گوشزد می‌کند. «... بر حرمت نفس خود و معلم و هر کس که به سن از او بزرگتر رسد تحریص کنند و فرزندان و بزرگان بدین آداب محتاج‌تر باشند» (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۲۲۶). وی معتقد است که در

لازمه دستیابی انسان به هدف مطلوب، شناخت کمال نهایی است که این شناخت در گرو آگاهی از حقیقت وجود خویش است.

از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، انسان به طور فطری، طالب کمال انسانی خویش است و قابلیت و توانایی وصول به کمال حقیقی در وجود وی مفطور است. تربیت اخلاقی از جلوه‌های متعالی تعلیم و تربیت، با هدف رشد اخلاقی شاگردان است. تربیت اخلاقی استفاده از روش‌هایی به منظور پرورش نیکی‌ها و زدودن رذایل اخلاقی است. غایت و هدف نهایی تربیت اخلاقی، رساندن فرد به سعادت است که در نتیجه، تهذیب قوای نفسانی (شهویه، غضبیه و ناطقه) و ایجاد اعتدال در میان آنها حاصل می‌شود.

ایجاد فضایل چهارگانه عفت، شجاعت، علم و عدالت از اهداف اصلی تربیت اخلاقی از نگاه خواجه طوسی است. اهداف تأدیبی، تعلیمی و تفهیمی تعیین‌کننده راه صحیح نیل به هدف مطلوب و تکامل انسانی است.

هدف تربیت اخلاقی از طریق عادت دادن کودکان، تنها تقلید کورکورانه نیست، بلکه فرد باید با افزایش سن، خود دلیل کارهایش را با نیروی عقل دریابد و عادات آموخته‌شده در دوران کودکی را آگاهانه به کار گیرد.

رسالت و هدف اصلی آموزش و پرورش در زمینه تربیت اخلاقی، ادغام دیدگاه‌های تربیت اخلاقی منظور بزرگان و متفکران کشور با یکدیگر و با آموزه‌های مکتب اسلام به منظور بهره‌گیری هرچه بیشتر از منابع و ذخایر عظیم اخلاقی، و نیز تنظیم و تدوین مبانی و اهداف تربیت اخلاقی و سپس عملی کردن آنها در مدارس توسط مربیانی است که به صورتی توانمند در عرصه تربیت اخلاقی وارد شوند و در رویارویی با افکار گوناگون، عقلانیت آموزه‌های دینی و اخلاقی را تبیین می‌کنند.

ج. اهداف تفهیمی: خواجه طوسی معتقد است که پرورش قوه «فهم» نقش اساسی در تربیت اخلاقی و خودسازی کودکان و نوجوانان دارد. به نظر وی، هنگامی باید به پرورش این قوه پرداخت که فرد به مرحله‌ای از درک و فهم رسیده باشد که اغراض دیگران را دریابد. به عبارت دیگر، در این مرحله، مربی با منطق و استدلال، علت انجام فعالیت‌های اخلاقی را به متربی می‌فهماند. فرد به وسیله رشد قوه عقل و فهم خود و نیز بینش و بصیرت اخلاقی کسب‌شده، علت آنچه را در آغاز با تقلید و عادت آموخته و انجام داده است، درمی‌یابد.

و چون از مرتبه کودکی بگذرد و اغراض مردمان فهم کند او را تفهیم کنند که غرض از ثروت و ضیاع و عبید و خول و خیل و طرح و فرش، ترفیه بدن و حفظ صحت است تا معتدل‌المزاج بماند و در امراض و آفات نیفتد؛ چندانکه استعداد و تأهب دارالبقا حاصل کند و با او تقریر دهند که لذات بدنی خلاص از آلام باشد و راحت یافتن از تعب، تا این قاعده را التزام نماید. پس اگر اهل علم بود تعلم علوم اول اخلاق، و بعد از آن علوم حکمت نظری آغاز کنند، تا آنچه در مبدأ به تقلید گرفته باشد او را مبرهن شود و بر سعادت‌تی که در بدو نما، بی‌اختیار او را روزی شده باشد شکرگزاری و ابتهاج نماید (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۲۲۷).

### نتیجه‌گیری

خدای سبحان کمال محض و آفریننده کمال است. بدین‌روی، هرچه او بیافریند کامل است. عالم و آدم از مظاهر کمال خداوند بوده و دارای مراتب کمالی متفاوتی هستند: (مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ) (ملک: ۳).

نیک‌نژادی، افسانه، سیدهاشم گلستانی و سیداحمد احمدی، ۱۳۸۶، «تأثیر آموزش روش‌های تربیتی بر اساس دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان»، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، دوره بیست و یکم، ش ۱۴، ص ۲۳-۴۲.

همایی، جلال‌الدین، ۱۳۷۴، *منتخب اخلاق ناصری*، تهران، هما.

**منابع** .....  
 آقاجمال خوانساری، محمدبن حسین، ۱۳۶۶، *شرح آقاجمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم*، تهران، دانشگاه تهران.  
 احسانی، محمد، ۱۳۸۹، «تربیت فرزند در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی»، *معرفت*، ش ۱۱۷، ص ۷۷-۹۶.  
 ارسطاطیس، ۱۳۸۱، *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه ابوالقاسم پورحسینی، تهران، دانشگاه تهران.  
 باقری، خسرو، ۱۳۸۶، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.  
 پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸، *فلسفه تعلیم و تربیت*، با همکاری علیمحمد کاردان و دیگران، تهران، سمت.  
 رهنما، اکبر، ۱۳۷۸، *بررسی، تجزیه و تحلیل خاستگاه‌ها، غایات و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه کمانت و خواجه نصیرالدین طوسی*، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.  
 سعادت‌فر، زهره، ۱۳۸۳، *مقایسه دیدگاه‌های اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی و ابن مسکویه*، پایان‌نامه کارشناسی مدرسی الهیات و معارف اسلامی، قم، دانشگاه قم.  
 سیدعلوی، سیدابراهیم، ۱۳۸۱، *ملاک فضایل و رذایل اخلاقی از منظر نراقی*، مجموعه مقالات کنگره فاضلین نراقیین، تهران، دبیرخانه کنگره.  
 طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، قم، جامعه مدرسین.  
 طوسی، خواجه نصیرالدین، ۱۳۶۰، *اخلاق ناصری*، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی.  
 —، ۱۳۶۱، *اخلاق محتشمی*، تهران، دانشگاه تهران.  
 —، ۱۳۶۹ق، *اوصاف الاشراف*، تصحیح محمد مدرس، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی.  
 —، ۱۳۶۹ق، *اخلاق ناصری*، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی.  
 —، بی‌تا، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم، انتشارات اسلامی.  
 مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *مصباح الشریعه*، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.  
 نجارزادگان، فتح‌الله، ۱۳۸۸، *رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی*، قم، معارف.